

هنر خوشنویسی

نوشته حسن مسعودی



در جهان اسلام،
که هنر بازنما
(شبییه‌سازی) در آن
حرام بوده است،
امکانات غنی
خط عربی سبب شد که
خوشنویسی به بالاترین
حد کمال خود برسد

۱۹۰ یک ترکیب‌بندی اثر مصطفی زالم
متعلق به قرن سیزدهم هجری که
اکنون در موزه نوبختانی استانبول
نگهداری می‌شود.

رفعه‌رفته قواعد دقیقی شکل گرفت. وسیله نوشتن قلم
بود، یعنی همان تی تراش‌خورده که هنوز هم مورد استفاده
خوشنویسان است. تراشیدن قلم که خیلی اهمیت داشت به
طرق مختلف صورت می‌گرفت. مرکب یا دقت فراوان تهیه
می‌شد و (مثال قلم) از اسرار کار بود.

آموزش نوشتن برعهدهٔ یک استاد بود که با تشریح
حروف روی شن توسط انگشت انجام می‌گرفت. شاگردان از
وی تقلید می‌کردند و بعد نوشته‌ها را از سطح شن پاک
می‌کردند و نوشتن را از سر می‌گرفتند. بعدها لوحهای چوبی

ادبیات شفاهی در دوران پیش از اسلام در میان
اعراب اهمیت فراوان داشت و شاعران حافظهٔ قوی
خود بودند. پس از آن اعراب احساس کردند که نیاز به ثبت
ماجرای خود دارند و ابتدا به‌منزلهٔ کسکی برای یادآوری،
فقط به استفاده از چند علامت اکتفا کردند. با ظهور اسلام در
قرن هفتم میلادی، نوشتن اهمیت بیشتری کسب کرد، زیرا که
به کلام خدا شکلی دهاری می‌داد. قرآن نخستین کتابی که به
زبان عربی نوشته شده، نقشی کلیدی در تحول و تکامل
خوشنویسی داشته است.

صورت‌المثل عربی و اگر یک سخن
کلمات کند دو مگو، در اینجا توسط
حسن معنوی به یازده شیوه متفاوت
نوشته شده است: دومی، فارسی،
رقعه، نسخ، کتبه، اجاره، مغربی،
کوفی کتابی، کوفی گل و پندار،
کوفی تپیده و کوفی هندسی.

تَنْفِقُ كَلِمَتَيْنِ إِذَا أَنْفَقَ مَكْلَةً
وَتَنْفِقُ كَلِمَةً إِذَا أَنْفَقَ مَكْلَةً
لَتَنْفِقُ كَلِمَتَيْنِ إِذَا أَنْفَقَ كَلِمَةً
لَتَنْفِقُ كَلِمَةً إِذَا أَنْفَقَ مَكْلَةً
لَتَنْفِقُ كَلِمَتَيْنِ إِذَا أَنْفَقَ مَكْلَةً
لَتَنْفِقُ كَلِمَةً إِذَا أَنْفَقَ مَكْلَةً
لَتَنْفِقُ كَلِمَتَيْنِ إِذَا أَنْفَقَ مَكْلَةً
لَتَنْفِقُ كَلِمَةً إِذَا أَنْفَقَ مَكْلَةً

بود. بنابراین درحالی که خط کوفی عهده‌تاً برای نوشتن قرآن به کار می‌رفت، در هند و عراق دارای خصوصیات مشابه نبود و همین‌طور در مصر یا اندلس.

خطاطی یادمانی (به‌صورت نقاشی روی مینا یا کنده کاری بر چوب یا سنگ) تنوع بیشتری یافت و کم‌کم از دستخط فاصله گرفت تا به کلی ساختار اصلی‌اش را از دست داد. یکی از کهن‌ترین کتیبه‌ها بر سقف قبةالصخره در بیت‌المقدس است، که در آن حروف مطلای کوفی بر زمینه‌ای از رنگ آبی درطول دیوارهای کاشیکاری شده نقش بسته است؛ این اثر متعلق به قرن هفتم میلادی (قرن اول هجری) است. بعدها خطاطی روی یادمانهای مذهبی و غیرمذهبی رواج فراوان یافت.

خط کوفی درابتدا ضخیم و زمخت بود. هنگامی که در معماری به کار گرفته شد ظرافت و شکوه یادمانی پیدا کرد. حروف کشیده‌تر و نازک‌تر و یادآور چشم‌انداز شهر یا کتیبه‌ها و مناظرها شدند یا شکلهای هندسی و همراه با گل و گیاه درهم تپیده را به خود گرفتند. مثلاً خط کوفی چهارگوش، تماماً مرکب از خطوط منتهی به زوایای قائمه است که به آن سادگی و استحکام خاصی می‌دهد. کلمات از لحاظ شکل ساده‌تر هستند؛ حروف دیگر در یک خط به‌دنبال هم قرار نمی‌گیرند، بلکه در فضا حالت شناور دارند. گویی که بی‌وزن هستند؛ یا به‌صورتی درهم تپیده در خطی مارپیچ و مورب پیرامون ساقهٔ مناره‌ها استناد می‌یابند.

هنری انتزاعی

خط که نه‌تنها در بناهای یادمانی بلکه در لباسها، ظروف و اثاثهٔ خانه‌ها نیز به کار می‌رفت، عهده‌ترین شکل هنر دینداری در قلمرو اسلام بود - زیرا بازنمایی «اشیای ذی‌روح» مجاز نبود. کتابت به عهده‌ترین وسیلهٔ تربیتی مساجد، کماخفا و مدارس تبدیل شد. تنها مورد استثنائات علمی و ادبی بود، اما حتی در اینجا هم بازنمایی پیکر انسان فاقد واقع‌گرایی، برجسته‌نمایی و عسق بود. به این‌ترتیب خوشنویسان از واژگان نقاشی کمک گرفتند و کلمات را برای القای نگارگری به کار بردند. این خوشنویسان بنا به ذوق و سلیقهٔ خود متون دستنوشته‌شان را از معانی تازه سرشار کردند و به‌اصطلاح در «آیین خوشنویسی» به القای شور عرفانی خود پرداختند.

خوشنویسی در یادمانها تبدیل به وسیله‌ای برای تأسیل ترکیبات پیچیدهٔ هندسی که خط نگاره نامیده می‌شد به‌سادگی بسیار گرایید یا به کلی ناخوانا شد، مثل حرف نشانهٔ عظیم واو بر دیوار مسجد جامع بورسه در ترکیه. خوشنویسی به این‌ترتیب تبدیل به یک شکل هنری انتزاعی و بی‌انگیز احساسات خوشنویس شد که بستنده می‌تواند هنرطور که بخواهد آن را تفسیر کند. خوشنویسی در دو جهت تحول پیدا کرد. نخست از لحاظ ترکیب حروف - رو به بالا، پایین یا به‌صورت خوابیده - که منظم دقت فراوان خوشنویس بود. این ترکیب به حسب اینکه در آغاز، وسط یا پایان کلمه قرار می‌گرفت تفاوت پیدا می‌کرد. حروف تقریباً همیشه به هم پیوند می‌خورند و فضای موردنیاز آنها با دقت تمام

صاف‌گل نبود شده به کار رفت. هر شاگرد چند خط می‌کشید و تا زمانی که آنها را به حافظه می‌سپرد نزد خود نگه می‌داشت.

در پایان قرن هفتم، زبان و خط عربی رسیت یافت و موردتأسیس دستگاههای حکومیتی همهٔ کشورهای اسلامی قرار گرفت. خط عربی به دو شکل عهده تحول پیدا کرد، یکی مدور و سیال به‌نام نسخ و دیگری زاویه‌دار و قبرسیال به‌نام کوفی. این دو سبک راه را برای شیوه‌های دیگر خوشنویسی هموار ساخت که تقریباً نام همهٔ آنها از خاصه‌گاه آنها گرفته شده است (مثل خط حیرتی که از شهر حیره برخاسته بود و حجازی که از حجاز و از این قبل).

اهراب در قرن هشتم رموز ساختن کاف، واو از چپها فرا گرفتند، و این موجب گسترش متون مکتوب و رشد و تحول نگارش گردید. هر گوشهٔ دورافتادهٔ امپراتوری اسلام سبک خاص خود را داشت که با زبان بدهندهٔ فرهنگ و ذوق همانجا

دانش‌اموران در یک مکتب تعلیم
قرآن (افغانستان).



ترکیب حروف - رو به بالا، پایین یا

به صورت خوابیده - که مستلزم دقت فراوان خوشنویس است. این ترکیب به حسب اینکه در آغاز، وسط یا پایان کلمه قرار می‌گرفت تفاوت پیدا می‌کرد. حروف همیشه به هم پیوند می‌خوردند، و فضای مورد نیاز آنها با دقت تمام اندازه‌گیری می‌شد.

سید جمال‌الدین افغانی
مؤلف: سید جمال‌الدین افغانی
موضوع: خوشنویسی
موضوع: سید جمال‌الدین افغانی
موضوع: سید جمال‌الدین افغانی

خوشنویسان بود و به قول ابن حبیب حلی خوشنویسی «شریف‌ترین پیشه، بهترین شعبه علم و پرسودترین حرفه زمان» بود.

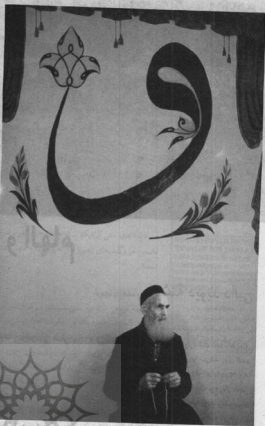
هر خلیفه خوشنویس خاص و مورد اعتماد خود را داشت که گاهی حتی اداره امور خانواده خویش را به او وامی‌گذاشت. حتی خوشنویسی به نام ابن مقفع (۲۷۷-۳۳۸) منصب وزارت یافت؛ هم او بود که خط کوفی را برای چنان دوران پر رونقی زحمت دانست و دست به ابداع خط مدور و سیال‌تر (نسخ) زد، و به آن ترکیبی هندسی داد تا برای کتابت قرن شایستگی بیابد.

اصلاحات ابن مقفع در قلمرو غربی اعراب دنبال نشد. خوشنویسان شمال آفریقا از مصر تا اندلس، با ستهای هنری ساده‌تر خود، خط کوفی، از جمله خط کوفی مغربی را که بسیاری از شیوه‌های متفاوت خوشنویسی از آن مایه گرفت، کنار گذاشتند.

پس از آن در مکتب عمده خوشنویسی رواج یافت، یکی مکتب ابن بواب (قرن پنجم هجری) که اصلاحات ابن مقفع را پذیرفت و دیگری مکتب مستعصمی (قرن هفتم هجری) که با

تراش اریب نوک قلم، به حرکت آن طرافت بیشتری داد. در حدود سی زبان در کتابت، القیای عربی را به کار می‌بردند. ایرانیان شیوه خاص خود را پدید آوردند و بسیاری شیوه‌های دیگر را تملیغ کردند. خوشنویسان عثمانی از آخرین سلاطه استادان خوشنویسی‌اند. امپراتوری عثمانی شاهد پیدایش اجازه بوده که به دارنده آن حق تدریس خوشنویسی را اعطا می‌کرد. این تمهید موجب پرورش خوشنویسان بزرگی شد، مثل شیخ عسائی در قرن دهم هجری که در ترکیه عثمانی شیوه‌های گوناگونی را برای نوشتن مورد اقتباس قرار داد، و حافظ عثمان (قرن یازدهم هجری) که به خطاطی سادگی و خلوص و لطافت بخشید.

خوشنویسی معاصر امروز با رواج تلویزیون و روشهای مدرن تکثیر، بخشی از اهمیت وجودی خود را از دست داده است. اما باز هم دینی باطنی را می‌توانست تا هنر کتابت را به پیش برود.



حرف خوشنویسی شده و او بر دیوار مسجد جامع پورسه در ترکیه

اندازه‌گیری می‌شد.

دوین تحول به نخیل خوشنویس بستگی داشت. قواعد پذیرفته شده مانع نوآوری نبود؛ بلکه هنرمند پس از مبالغه ممارست در میراث اسلاف خود، عاقبت رشته کار را به ذوق خویش می‌سپرد و با مدول از آن قواعد بود که هنرش را تکامل می‌بخشید. ابراهیم موسوی خوشنویس قرن چهارم هجری می‌گوید: «وقتی قلم سلطه می‌یابد هر آنچه را که جداست به هم می‌پیوندد و هر آنچه را که پیوسته است از هم جدا می‌سازد».

الفبایی برای سی زبان

در دوران خلافت مأمون عباسی رقابت بین خوشنویسان موجب پیدایش شیوه‌های خاصی شد. شیوه‌ای برای خلیفه، برای وزیران و برای پیام فرستادن به شاهزادگان. شیوه‌ای برای شعر، شیوه‌ای برای رسالت و پیمان‌نامه‌ها، شیوه‌ای برای اسرار سالی، دفاعی و غیره. دوران رونق شلی

حسن مسمودی

خوشنویس متولد عراق و نویسنده چندین اثر از جمله خوشنویسی عربی (۱۰۶۸)، تاریخ پاریس (۱۰۸۱) و (۱۰۸۵) و خوشنویسی برای مشایخ (پاریس: ۱۹۶۰)